پژوهش های فقهی حقوق بشر
Jurisprudential Research on Human Rights

Jurisprudential Foundations of the Right to Family Life with a Human Rights Approach

Zahra Montazeri[1*]

1. Assistant professor,Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Payame Noor University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 55-70

Article history:

Received: 25 Mar 2024

Edition: 9 Jun 2024

Accepted: 7 Aug 2024

Published online: 21 Des 2024

Keywords:
Human rights; right to family life; right to privacy; social rights.

Corresponding Author:
Zahra Montazeri
Address:
Iran, Tehran, Payame Noor University, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law.
Orchid Code:

Email:
z.montazeri@pnu.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: The right to family life is considered the primary and main core of social rights; the purpose of this study is to explain the jurisprudential foundations of this right in Imami jurisprudence and the approach of human rights documents to it.
Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.
Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.
Findings: The findings of the present study show that the right to family life has certain characteristics, among which the emotional nature and the necessity of its implementation voluntarily and with free will are of great importance. This characteristic has caused the right to family life to have a dual form.
Conclusion: The right to family life and privacy, despite being recognized in international documents, jurisprudential sources, and domestic law, lacks traditional tools and guarantees of implementation at the implementation stage; this is why the aforementioned right has a legal form at the legislative and recognition stage, but has a moral form at the implementation stage.

Cite this article as: *Montazeri Z. Jurisprudential Foundations of the Right to Family Life with a Human Rights Approach. Jurisprudential Research on Human Rights. 2025.*

پژوهش های فقهی حقوق بشر
Jurisprudential Research on Human Rights

دورۀ اول، شمارۀ دوم، زمستان ۱۴۰۳

مبانی فقهی حق بر زندگی خانوادگی با رویکردی به حقوق بشر

زهرا منتظری[1*]

۱. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۵۵-۷۰

سابقۀ مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۰۶

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

حقوق بشر، حق بر زندگی خانوادگی، حق بر حریم خصوصی، حقوق اجتماعی.

نویسندۀ مسئول:

زهرا منتظری

آدرس پستی:

ایران ، تهران، دانشگاه پیام نور، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی.

کد ارکید:

پست الکترونیک:

z.montazeri@pnu.ac.ir

چکیده

زمینه و هدف: حق بر زندگی خانوادگی به‌عنوان هستۀ اولیه و اصلی حقوق اجتماعی محسوب می‌گردد. هدف از پژوهش حاضر تبیین مبانی فقهی حق مزبور در فقه امامیه و رویکرد اسناد حقوق بشری به آن است.

مواد و روش‌ها: این پژوهش از نوع نظری و روش آن توصیفی- تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات، کتاب‌خانه‌ای است که با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که حق بر زندگی خانوادگی دارای اوصاف خاصی می‌باشد که از میان آن‌ها، ویژگی عاطفی بودن و ضرورت اجرای آن به صورت اختیاری و با اراده آزاد از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. همین وصف باعث شده است که حق بر زندگی خانوادگی دارای قالبی دوگانه باشد.

نتیجه: حق بر زندگی خانوادگی و حریم خصوصی، علی‌رغم آنکه در اسناد بین‌المللی، منابع فقهی و حقوق داخلی مورد شناسایی قرار گرفته است، اما در مرحلۀ اجرا فاقد ابزارها و ضمانت اجراهای سنتی می‌باشد؛ به همین دلیل است که حق مزبور در مرحلۀ تشریع و شناسایی دارای قالبی حقوقی می‌باشد اما در مرحلۀ اجرا دارای قالبی اخلاقی است.

۱. مقدمه

«اجتماعی بودن» یکی از اوصاف اصلی می‌باشد که پژوهشگران حوزه‌های مختلف مانند روانشناسی، جامعه‌شناسی و ... برای انسان قائل هستند؛ و در یک رویکرد کلی، بدین معناست که اصولاً انسان برخی از نیازهای خود را نمی‌تواند به تنهایی رفع کند و نیاز دارد که نیازهای مزبور را در بطن روابط با سایر افراد مرتفع سازد. یکی از اولین روابطی که در تاریخ بشر شکل گرفت و به عنوان هستهٔ اولیهٔ جوامع بشری محسوب می‌گردد، خانواده است. در ادبیات حقوق بشری امروزی، تشکیل خانواده و داشتن خانواده برای هر فرد یک حق محسوب می‌گردد. این حق دارای ظرافت‌های بسیار خاصی می‌باشد. در تبیین حق بر زندگی خانوادگی دو مبنای مهم مورد توجه قرار می‌گیرد: اول شناسایی حریمی که در آن اصل بر عدم مداخله دولت و سایر افراد باشد (مگر در موارد استثنائی)؛ و دوم ایجاد فضایی که افراد در آن به رفع نیازهای عاطفی در مناسبات با افراد خاص بپردازند. نیازهایی که ذیل عناوینی مانند رابطه پدر-فرزندی، رابطه همسران، رابطه برداران و خواهران با یکدیگر گنجانده می‌شوند.

اگر خانواده هستهٔ اصلی و ابتدایی جوامع بشری محسوب می‌گردد و در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان دارای اولویت می‌باشد، حقوق راجع به این نهاد و به طور خاص حق بر زندگی خانوادگی نیز در سلسله مراتب حقوق بشر و شهروندی در هر نظام حقوقی دارای اهمیت به‌سزایی می‌باشد. پرسشی که پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به آن می‌باشد این است که، مبانی فقهی حق بر زندگی خانوادگی چیست و اسناد حقوق بشر بین‌المللی به حق مزبور چه رویکردی را اتخاذ نموده‌اند؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به پرسش مزبور مورد ارزیابی قرار می‌گیرد این است که حق بر زندگی خانوادگی در مرحلهٔ تشریع دارای قالبی فقهی-حقوقی و منسجم می‌باشد اما در مرحله اجرا و طراحی ضمانت‌اجرا، قالب حق مزبور بیشتر رنگ و بوی اخلاقی (و کمتر حقوقی) به خود می‌گیرد.

در ارتباط با پیشینهٔ پژوهش حاضر باید عنایت داشت که «حق بر زندگی خانوادگی» به صورت بسیار محدود و با محوریت حقوق کودک و فرزندخواندگی مورد توجه پژوهش‌گران قرار گرفته است؛ در حالی که پژوهش حاضر تمرکز بر حق مزبور با تکیه بر مبانی فقهی و اسناد حقوق بشر بین‌المللی دارد؛ همین نکته نیز جنبه جدید و نوآوری پژوهش حاضر را نشان می‌دهد. در همین راستا می‌توان به مقاله توتونچیان و سرشار تحت عنوان «حق بر زندگی خانوادگی کودکان در پرتو نظام حقوق بشر» اشاره کرد. از نظر نویسندگان، «خانواده نقش بی‌بدیلی در تأمین سلامت فرد و جامعه دارد؛ از این رو کودکان باید تحت مراقبت والدین و در چارچوب خانواده رشد و نمو یابند. منظور از مراقبت والدین، حفظ ارتباط و تداوم تماس کودک با خانواده است. خانواده به مثابه یگانه زیربنای استوار جامعه و نخستین نهاد اجتماعی، واحد طبیعی و بنیادی است که در طول تاریخ همواره در جایگاه حامی و تأمین کننده نیازهای اساسی اعضای خود عمل کرده است. عوامل متعدد و متنوع در چند قرن گذشته و به ویژه دهه‌های اخیر موجبات تغییرات چشمگیری در تعریف و ساختار و کارکرد خانواده و نقش دولت در

این نهاد را فراهم آورده است. نظام بین‌المللی حقوق بشر نیز با امعان نظر به متغیر بودن مفهوم خانواده و اینکه این مفهوم از یک مکان به مکان دیگر و از یک زمان به زمان دیگر و بسته به شرایط تاریخی، اجتماعی و فرهنگی متغیر است ضمن تصدیق وجود اشکال مختلفی از طبقات اجتماعی در سراسر دنیا، هیچ تعریف خاصی از خانواده و انواع آن ارائه نمی‌دهد. با وجود این، حق بر زندگی خانوادگی کودکان در نظام بین‌المللی حقوق بشر به عنوان حق بنیادین به رسمیت شناخته شده است؛ و علاوه بر اقرار به حق بر زیستن در خانواده برای کودک، حق ازدواج و تشکیل خانواده و حمایت از نهاد خانواده مورد مداقه قرار گرفته است که این حقوق ریشه در شأن و کرامت و آزادی انسان دارد.»(توتونچیان و سرشار، ۱۳۹۹، ۱۰۵).

۲. مواد و روش‌ها

این پژوهش از نوع نظری و روش آن توصیفی-تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات، کتاب-خانه‌ای است که با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است..

۳. ملاحظات اخلاقی

در مراحل مختلف نگارش این مقاله، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که حق بر زندگی خانوادگی دارای اوصاف خاصی می‌باشد که از میان آن‌ها، ویژگی عاطفی بودن و ضرورت اجرای آن به صورت اختیاری و با اراده آزاد از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. همین وصف باعث شده است که حق بر زندگی خانوادگی دارای قالبی دوگانه باشد.

۵. بحث

حق زندگی خانوادگی به حق داشتن زندگی زناشویی و روابط خانوادگی گفته می‌شود. این حق در انواع اسناد بین‌المللی حقوق بشر از جمله مادهٔ ۱۶ اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر، مادهٔ ۲۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و مادهٔ ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده‌است. مادهٔ ۱۶ اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر بیان می‌دارد: «۱. مردان و زنان بالغ، بدون هیچ‌گونه محدودیتی به حیث نژاد، ملیت، یا دین حق دارند که با یکدیگر زناشویی کنند و خانواده‌ای بنیان نهند. همه سزاوار و محق به داشتن حقوقی برابر در زمان عقد زناشویی، در طول زمان زندگی مشترک و هنگام فسخ آن هستند. ۲. عقد ازدواج نمی‌بایست صورت بندد مگر تنها با آزادی و رضایت کامل همسران که خواهان ازدواج‌اند. ۳. خانواده یک واحد گروهی طبیعی و زیربنایی برای جامعه است و سزاوار است تا به وسیلهٔ جامعه و حکومت حمایت شود». در نتیجه، حق بر زندگی خانوادگی در ارتباط نزدیکی با نهاد خانواده و ازدواج قرار دارد؛ به همین جهت نیز مبانی فقهی مرتبط با حق بر زندگی خانوادگی را باید در موضوعات راجع به نهاد نکاح و خانواده در تعالیم اسلامی جست‌جو نمود. در همین راستا، در این قسمت منابع اولیه از جمله قرآن کریم و روایات وارده در ارتباط با نهاد ازدواج و خانواده مورد ارزیابی و تحلیل قرار خواهند گرفت.

۵-۱. سبک زندگی اسلامی

سبک زندگی روش‌های متفاوت زندگی را نشان می‌دهد؛ برای نمونه، تفاوت بین زندگی شهری و زندگی روستایی. «این اصطلاح همچنین می‌تواند مقایسه‌ی شیوه‌های زندگی کشف‌شده در میان گروه‌های متفاوت را در جامعه نشان دهد؛ برای نمونه، جوان، بیکار، منحرف. اصطلاح سبک زندگی به معنای طرز زندگی نیز مفهوم‌سازی شده است. طرز زندگی، بیشتر از طریق ارزش‌ها و روش‌های مصرف شناخته می‌شود که ناشی از تمایز فزایندهٔ جوامع سرمایه‌داری پیشرفته است. هر مجموعهٔ منسجمی از الگوهای رفتاری برآمده از آموزه‌های دینی را می‌توان یک سبک زندگی دینی به شمار آورد که در چارچوب معین‌شده از طرف دین قرار داشته باشد»(فاضل قانع، ۱۳۹۱، ۱۶). «در سبک زندگی اسلامی باید در نظر داشت که یک زندگی، زمانی خوب است که همانند گفته قرآن، شامل مجموعه‌ای از مکارم اخلاقی باشد. سبک زندگی اسلامی یعنی الگوگیری از اسلام به عنوان جامع و کامل‌ترین دین و پیاده‌سازی آن در تمامی مراحل زندگی؛ این الگوگیری زمانی خوب و مناسب است که مطابق آموزه‌های دینی، سبک و روش زندگی ائمه اطهار و توصیه‌های قرآن‌کریم باشد». رهبر معظم انقلاب در بیانات خود در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی مورخ ۲۳ مهرماه ۱۳۹۱ در مورد سبک زندگی اسلامی می‌فرمایند: «از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی‌کردن، رفتار اجتماعی و شیوهٔ زیستن، این بعدی مهم است؛ امروز می‌خواهیم در مورد این موضوع قدری بحث کنیم. ما اگر از منظر معنویت نگاه کنیم باید به سبک زندگی اهمیت دهیم؛ اگر به معنویت و رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی راحت و برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، باز پرداختن به سبک زندگی مهم است. بنابراین مسئله، مسئله‌ی اساسی و مهمی است.»

۵-۲. فرهنگ اسلامی

«فرهنگ در اصطلاح جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان در مفاهیم گوناگونی به‌کار رفته و از آن تعاریف متعددی ارائه کرده‌اند. ادوارد بی‌تایلور درکتاب جوامع ابتدایی(۱۸۷۱) معتقد است: فرهنگ، مجموعهٔ پیچیده‌ای است که شامل معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، تکنیک‌ها، اخلاق، قوانین، آداب و رسوم، سنن و در آخر، تمام عادات و رفتار و ضوابطی است که انسان به‌عنوان عضو یک جامعه آن را از جامعهٔ خود فرا می‌گیرد و در مقابل آن جامعه تعهداتی برعهده دارد. گی‌روشه، درکتاب کنش اجتماعی خود، تعریفی به‌نسبت کامل از فرهنگ ارائه داده است. به زعم وی فرهنگ، مجموعهٔ به‌هم پیوسته‌ای از شیوه‌های تفکر، احساس و عمل کم و بیش مشخص که توسط تعداد زیادی افراد فراگرفته شده و بین آن‌ها مشترک است و به دو شیوهٔ عینی و نمادین به کار گرفته می‌شود تا این اشخاص را به یک جمع متمایز مبدل کند. فرهنگ اسلامی عبارت است از مجموع اعتقادات، اندیشه‌ها، اخلاقیات، ارزش‌ها، الگوهای رفتاری، سنن، آداب و رسوم و عادت‌هایی که ریشه در قرآن و سنت پیامبر و پیروان راستین آن‌ها دارد. قرآن، اصلی‌ترین منبع فرهنگ اسلامی است که خداوند تبارک و تعالی خود تعهد کرده است آن را حفظ کند. از همین روی، از تحریف مصون مانده و دستخوش هیچ تغییری نگشته است. عادات و افعال پیامبر اکرم(ص) سنت و اصوال او نیز که دومین منبع فرهنگ اسلامی

محسوب می‌شود نیز از لحاظ تاریخی روشن است؛ زیرا اقوال و اعمال ایشان را محدثان ثبت کرده‌اند»(عیوضی، ۱۳۸۶، ۴۷).

۵-۳. ازدواج از دیدگاه اسلام

«تعریف‌های متعددی برای واژه ازدواج ارائه شده است که به یکی از آن‌ها اشاره می‌شود: ازدواج فرآیندی است که از کنش متقابل بین دو فرد، یک مرد و یک زن که برخی شرایط قانونی را تحقق بخشیده‌اند و مراسمی برای برگزاری زناشویی خود برپا داشته‌اند و به‌طور کلی، عمل آنان مورد پذیرش قانون قرار گرفته، اطلاق شده است. در بینش اسلامی، مقصود از ازدواج، پیوند زناشویی رسمی میان دو جنس مخالف است که اغلب بالغ بوده و طبق شرایط شرعی و قانونی لازم انجام گرفته است. دین اسلام به تشکیل خانواده و حفظ کانون آن اهمیت زیادی داده و در روایات و احادیث متعددی به ازدواج به‌عنوان گام اول، حیاتی و مهم برای تشکیل خانواده و تداوم آن توصیه شده است. در این بخش دیدگاه اسلام درباره ازدواج را در دو بعد ازدواج از دیدگاه آیات و ازدواج از دیدگاه روایات بیان می‌شود»(احمدپناهی، ۱۳۸۵، ۳۱).

۵-۳-۱. ازدواج از منظر آیات قرآن کریم

«در قرآن‌کریم آیات متعددی به بیان موضوع ازدواج اختصاص داده شده است و خداوند متعال به‌گونه‌ای ظریف مطلب را تبیین کرده است. تاکید و ترغیب‌هایی که از ناحیه آیات در زمینه ازدواج وارد شده و بر اهمیت و ضرورت آن دلالت دارد، به چند دسته تقسیم می‌شود: در مذمت مجردماندن و اختیارنکردن همسر و تأکید بر تشویق و ترغیب دیگران به ازدواج»(فیضی، ۱۳۸۴، ۱)؛ قرآن ذیل آیهٔ ۳۲ سورهٔ مبارکهٔ نور به پرهیزگاران دستور می‌دهد «زنان و مردان را به همسری یکدیگر درآورید و نگذارید زنان و مردان مجرد باقی بمانند»: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ». اما در ارتباط با اوصاف ازدواج از منظر آیات قرآن کریم می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت.

«منشأ طبیعی ازدواج»: «ازدواج به معنای جمع شدن نر و ماده اختصاص به افراد بشر ندارد؛ بلکه در مجموعهٔ هستی این قانون حاکم است و انسان‌ها و افراد بشر جزئی از این مجموعه هستند»(مقدسی و جعفرزاده، ۱۳۹۹، ۲). در همین راستا می‌توان به آیهٔ ۴۹ سورهٔ ذاریات اشاره داشت «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»؛ «و از هر چیزی دو گونه [یعنی نر و ماده] آفریدیم امید که شما عبرت گیرید».

«غریزهٔ جنسی»: قرآن اصل مسئلهٔ شهوت و غریزهٔ جنسی، همچنین مسیر ارضای آن و این را بیان کرده است که کدام مسیر صحیح و کدام یک باطل است. در همین راستا می‌توان به آیات ۸۰ و ۸۱ سوره مبارکه اعراف اشاره داشت: «وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ» «إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ»؛ «و لوط را [فرستادیم] هنگامی که به قوم خود گفت آیا آن کار زشت[ی] را مرتکب می شوید که هیچ کس از جهانیان در آن بر شما پیشی نگرفته است» «شما از روی شهوت به جای زنان با مردان درمی آمیزید آری شما گروهی تجاوزکارید».

«نیاز به سکون و آرامش»: از عوامل ازدواج، همان نیاز و تمایل انسان‌ها به آرامش و سکون است که در سایهٔ ازدواج، تحقق پیدا می‌کند. خداوند متعال در این رابطه ذیل آیهٔ ۱۸۹ سورهٔ مبارکهٔ اعراف می‌فرماید: « هُوَ الَّذِی خَلَقَکُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِیَسْکُنَ إِلَیْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِیفًا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَیْتَنَا صَالِحًا لَنَکُونَنَّ مِنَ الشَّاکِرِینَ » «اوست آن کس که شما را از نفس واحدی آفرید و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد پس چون [آدم] با او [حوا] درآمیخت باردار شد باری سبک و [چندی] با آن [بار سبک] گذرانید و چون سنگین‌بار شد خدا پروردگار خود را خواندند که اگر به ما [فرزندی] شایسته عطا کنی قطعا از سپاسگزاران خواهیم بود».

«نیاز به انس و مودت»: نیاز روحی و فطری انسان‌ها به انس و مودت، امری بدیهی است. قرآن‌کریم ذیل آیهٔ ۲۱ سورهٔ مبارکهٔ روم می‌فرماید: «وَمِنْ آیَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَکُمْ مِنْ أَنْفُسِکُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْکُنُوا إِلَیْهَا وَجَعَلَ بَیْنَکُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَاتٍ لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ »؛ «و از نشانه های [قدرت و ربوبیت] او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و در میان شما دوستی و مهربانی قرار داد؛ یقیناً در این [کار شگفت انگیز] نشانه هایی است برای مردمی که می‌اندیشند».

میل به تداوم وجود خویش: ازدواج منشا بقای نسل و حفظ نوع بشری است و قرآن‌کریم، زناشویی را تنها وسیلهٔ حفظ نسل و بقای نوع انسان و داشتن فرزندان صالح معرفی کرده است. در همین راستا آیهٔ ۷۲ سورهٔ مبارکهٔ نحل می‌فرماید: « وَاللَّهُ جَعَلَ لَکُمْ مِنْ أَنْفُسِکُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَکُمْ مِنْ أَزْوَاجِکُمْ بَنِینَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَکُمْ مِنَ الطَّیِّبَاتِ أَفَبِالْبَاطِلِ یُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ یَکْفُرُونَ »؛ « و خدا از جنس خودتان برای شما جفت‌هایی آفرید و از آن جفت‌ها پسران و دختران و دامادان و نوادگان بر شما خلق فرمود، و از نعمتهای پاکیزه لذیذ روزی داد؛ آیا مردم باز به باطل می‌گروند و به نعمت خدا کافر می‌شوند ». «یکی از صفات عبادالرحمن این است که از خداوند متعال می‌خواهند که به آن‌ها فرزندان صالح بدهد» (اسلامی‌پناه، ۱۳۸۴، ۱۷).

۵-۳-۲. ازدواج در روایات اسلامی

در احادیث و روایات متعددی ائمه اطهار (علیهم‌السّلام) جوانان را به ازدواج و خانواده‌ها را به فراهم‌کردن شرایط و مقدمات ازدواج توصیه و سفارش کرده‌اند. از میان احادیث به چند مورد می‌توان اشاره کرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «بهترین ازدواج‌ها آن است که آسان‌تر انجام گیرد»(پاینده، ۱۳۷۸، ۲۴۸). همچنین از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم) این حدیث وارد شده است: «در اسلام هیچ بنایی ساخته نشد که نزد خدای عزوجل محبوب‌تر و ارجمندتر از ازدواج باشد»(مجلسی، ۱۴۰۲، ج۱۰۳، ۲۲۲). در حدیث دیگری امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «هر که از ترس تهیدستی ازدواج نکند، به‌خدای متعال گمان بد برده است. خدای متعال می‌فرماید: اگر تهیدست باشند، خداوند از فضل خود توانگرشان می‌کند»(عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج۳، ۲۵۱). اگرچه ازدواج در اسلام واجب نیست، اما بسیار بر آن تأکید شده است. روایات متعددی در اهمیت ازدواج از پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومان (ع) رسیده است. در روایت دیگری از حضرت صادق (ع) روایت شده

که حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «ازدواج کنید؛ زیرا رسول خدا (ص) فرمود: کسی که دوست دارد از سنت و روش من پیروی کند، پس همانا ازدواج و همسر اختیار نمودن از سنت و روش من است»(عاملی، ۱۴۱۲، ج۲۰، ۱۵) «مسئله ازدواج در اسلام آن‌قدر مورد توجه و اهمیت قرار داده شده است که انجام دادن آن در بعضی از روایات مساوی با احراز نیمی از دین است. با ازدواج، شخص نیمی از دین خود را تحصیل کرده است»(عاملی، ۱۴۱۲، ج۲۰، ۱۷). در همین راستا پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «هر کسی ازدواج کند، نیمی از دین خود را تحصیل کرده است». یعنی شخصیت مؤمن با ازدواج به مرحله‌ای می‌رسد که نیمی از دین خود را حفظ می‌کند. در روایات آمده است که «دو رکعت نماز انسانی که ازدواج کرده، برتر از هفتاد رکعت نماز شخص مجرد است»(عاملی، ۱۴۱۲، ج۲۰، ۲۰).

این همه تأکید حکایت از اهمیت فوق‌العاده اسلام به امر ازدواج و تشکیل خانواده دارد، بنایی که هسته اولیه تشکیل یک اجتماع سالم در آن شکل می‌گیرد. اسلام همان‌طور که در اصل ازدواج تأکیداتی فراوان دارد، در نحوه شکل‌گیری و استمرار آن نیز مطالب و معارفی مهم دارد که باید به آن توجه شود. از طرفی در اسلام ترک ازدواج و مجرد بودن مذموم شمرده شده است. در صدر اسلام عده‌ای از صحابه زنان را بر خود حرام کردند و شب و روز به عبادت پرداختند، ام‌سلمه از طریق زنانشان به این موضوع اطلاع یافته و آن را به پیامبر (ص) انتقال داد؛ پیامبر فوراً به‌سوی اصحابش رفت و فرمود: «آیا از زنان کناره می‌گیرید، من خود ازدواج کرده و زنان را ترک نمی‌کنم»(عاملی، ۱۴۱۲، ج۲۰، ۲۱).

ازدواج به خودی خود برای مشتاق آن و نیز به قول مشهور برای غیر مشتاق، مستحب و ترک آن مکروه است، امّا در صورت خوف وقوع در گناه به سبب ترک آن، واجب است. ازدواج به لحاظ کسی که با او پیوند زناشویی بسته می‌شود یا حرام است مانند «ازدواج با محارم یا مکروه است مانند ازدواج با زن زناکار و زن متولد از زنا؛ و ازدواج مرد با قابله خود و دخترِ قابله‌اش»(خمینی، ۱۴۲۱، ج۲، ۲۵۶). «و نازا و شرابخوار و یا مستحب مانند ازدواج با زن بکر (دوشیزه)، پاکدامن، فرزندآور و فرمان‌بردار شوهر»(نجفی، ۱۴۱۵، ج۲۹، ۸؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۱۷، ج۵، ۴۷۶) «برخی از فقها درباره انتخاب کردن شوهر بدخلق، مخنّث، فاسق و شارب الخمر به لاینبغی؛ یعنی سزاوار نیست تعبیر کرده‌اند»(خمینی، ۱۴۲۱، ج۲، ۲۵۶).

۵-۴. ماهیت حق بر زندگی خانوادگی در فقه امامیه

حق بر زندگی خانوادگی پیش از ازدواج از منظر فقه امامیه در قامت یک اصل کلی در قالب «حق محض» برای افراد مورد شناسایی قرار گرفته است. البته در یک حالت استثنایی چنانچه خوف گناه برای فرد وجود داشته باشد، ازدواج و تشکیل خانواده تبدیل به یک تکلیف می‌گردد. مع‌الوصف ممکن است افراد توانایی و موقعیت لازم برای ازدواج دائم را نداشته باشند، در این حالت افراد مزبور می‌توانند با در نظر گرفتن جوانب مختلف به ازدواج موقت متوسل شوند. نباید از نظر دور داشت که در فرآیند ازدواج موقت نیز عملاً نهاد خانواده شکل می‌گیرد و بسیاری از تکالیف ازدواج دائم برای طرفین ایجاد می‌گردد مگر

مواردی که در شریعت مستثنی شده باشد(شهید ثانی، ۱۴۰۲، ۳۳۵).

اما حق بر زندگی خانوادگی پس از ازدواج وضعیتی متفاوت پیدا می‌کند. در این‌جا باید میان دو فرض قائل به تفکیک شد: فرض اول حالتی است که فرزندی در میان نباشد و خانواده صرفاً از جمع زوج و زوجه تشکیل شده باشد. در این حالت، با توجه به احکام مختلف باب نکاح و وظایف متقابلی که برای زوجین تعریف شده است، حق بر زندگی خانوادگی برای هریک از طرفین متصور است و این حق در واقع تکلیفی برای طرف مقابل نیز محسوب می‌گردد؛ به بیان ساده‌تر، حق بر زندگی خانوادگی در قامت یک حق محض، بلکه در قالب حق و تکلیف متقابل مورد شناسایی قرار می‌گیرد؛ زیرا تکالیف و وظایفی که برای زوجین تعریف شده است مانند تمکین، حسن معاشرت، تأمین نفقه و نیازهای معنوی و عاطفی، و ... نشان از ضرورت وجود «زندگی خانوادگی» دارد. اما فرض دوم حالتی است که خانواده علاوه بر زوجین از فرزند یا فرزندان نیز تشکیل شده باشد؛ در این حالت حقوق و تکالیفی برای فرزندان نیز تعریف شده است؛ مانند حق بر تربیت اولاد، پرداخت نفقه، حسن معاشرت و ... . در این‌جا حق بر زندگی خانوادگی نه فقط نسبت به زوجین بلکه نسبت به فرزندان نیز مورد شناسایی قرار می‌گیرد. به همین جهت است که در موارد طلاق و جدایی زوجین، یکی از موضوعات مهم مسئله ولایت و سرپرستی اطفال می‌باشد. در منابع فقهی سنتی به صراحت در ارتباط با چالش‌های مزبور و وضعیت حق بر زندگی خانوادگی برای کودکان بحثی به میان نیامده است. در واقع تمرکز اصلی صرفاً بر مسئلهٔ پرداخت نفقه و ولایت بر فرزندان است؛ اما در ارتباط با این‌که همین فرزندان آیا حق دارند که از والیدن خود حتی پس از طلاق تقاضای دیدار جمعی داشته باشند و والدین مکلف به اجابت این تقاضا باشند، سخنی به میان نیامده است که این امر لازم است در فقه جدید مورد توجه قرار گیرد.

۵-۵. حق بر زندگی خانوادگی در اسناد بین-المللی

در چهارچوب اسناد بین‌المللی، خانواده به عنوان مبنایی‌ترین نهاد در جامعه مورد شناسایی قرار گرفته است که دولت‌ها مکلف به حمایت و حفاظت از آن می‌باشند. در همین راستا می‌توان به بند سوم از مادهٔ ۱۶ اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر اشاره داشت: «خانواده رکن طبیعی و اساسی اجتماع است و حق دارد از حمایت جامعه و دولت بهره‌مند شود». همچنین بند اول از مادهٔ ۲۳ میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز مقرر می‌دارد: «خانواده عنصر طبیعی و اساسی جامعه است و استحقاق حمایت جامعه و حکومت را دارد» و در نهایت بند اول از مادهٔ ۱۰ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز بیان داشته است: «خانواده که عنصر طبیعی و اساسی جامعه است باید از حمایت و مساعدت به حد اعلای ممکن برخوردار گردد بویژه برای تشکیل و استقرار آن و مادام که مسئولیت نگاهداری و آموزش و پرورش کودکان خود را بعهده دارد.» نکته جالب توجه در این‌جا این است که حق بر زندگی خانوادگی هم در زمرهٔ مصادیق حقوق مدنی و سیاسی و هم در زمره مصادیق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد اشاره و تصریح قرار گرفته است؛ به همین دلیل در ارتباط با ماهیت این حق میان نویسندگان حقوق بشر، اختلاف دیدگاه وجود

دارد (Draghici, 2024, 20). لازم به ذکر است که ادبیاتی مشابه با مفاد میثاقین و اعلامیه جهانی حقوق بشر در کنوانسیون حفاظت از حقوق کارگران مهاجر و اعضاء خانواده آن‌ها مورخ ۱۹۹۰، مقدمهٔ کنوانسیون حقوق کودک مورخ ۱۹۸۹ و کنوانسیون راجع به حقوق افراد معلول مورخ ۲۰۰۶ مشاهده می‌شود (Tiburcio, 2021, 217).

کمیتهٔ حقوق بشر که برای نظارت بر اجرای مفاد مقررات میثاق حقوق مدنی و سیاسی تشکیل شده است، در گزارش‌های خود تصریح دارد که: «حق تشکیل خانواده، اصولاً مستلزم امکان زندگی مشترک است.» (Fawcett and others, 2017, 47-48) همچنین مادهٔ ۵ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض نژادی مورخ ۱۹۶۵ حق بر ازدواج و تشکیل خانواده را در پرتو ممنوعیت هرگونه تبعیض نژادی مورد شناسایی قرار داده است. مادهٔ مزبور مقرر می‌دارد: «دول عضو طبق تعهدات اساسی مندرج در مادهٔ ۲ متعهد می‌شوند که تبعیضات نژادی را به هر شکل و صورتی که باشد ممنوع و ریشه‌کن سازند و حق‌هر فرد را به مساوات در برابر قانون و به ویژه در تمتع از حقوق زیر بدون تمایز از لحاظ نژاد یا رنگ یا ملیت یا قومیت تضمین نمایند: ... د. سایر حقوق مدنی و به‌طور خاص ... ۴. حق ازدواج و انتخاب همسر خود ... » از سوی دیگر نیز کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان مورخ ۱۹۷۹ ذیل بند اول از مادهٔ ۱۶ از دولت‌های عضو می‌خواهد که : «تمام اقدامات لازم را برای رفع تبعیض علیه زنان در همه موضوعات مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی، از جمله در مورد حق ازدواج، حقوق و مسئولیت‌ها در حین ازدواج و در زمان انحلال آن، و در مورد فرزندان انجام دهند.» به تعبیری در تمام وجوه حق بر زندگی خانوادگی، اعمال هرگونه تبعیض ممنوع می‌باشد (Adolphe and others, 2019, 150).

حق عدم مداخله خودسرانه یا غیرقانونی در حریم خصوصی، خانواده، خانه یا مکاتبات افراد نیز ذیل بند اول از مادهٔ ۱۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مورد شناسایی قرار گرفته است. مادهٔ مزبور مقرر می‌دارد: «هیچ کس نباید در زندگی خصوصی و خانواده و اقامتگاه یا مکاتبات مورد مداخلات خودسرانه (بدون مجوز) یا خلاف قانون قرار گیرد و همچنین شرافت و حیثیت او نباید مورد تعرض غیر قانونی واقع شود». به نظر می‌رسد که می‌توان مصادیق مندرج در این ماده را قلمرو حق بر زندگی خانوادگی و حریم خصوصی قلمداد نمود (Arnadóttir, 2021, 240).

علاوه بر این، در کنوانسیون حقوق کودک یکی از مسائلی که مورد تأکید قرار گرفته است، حق کودک برای استقرار در کنار خانواده و نیز حق او نسبت به تمامیت و وحدت خانواده می‌باشد. در همین راستا، بند اول از مادهٔ ۷ کنوانسیون حقوق کودک مقرر می‌دارد: «تولد کودک بلافاصله پس از به دنیا آمدن ثبت می‌شود و از حقوقی مانند حق داشتن نام، کسب تابعیت و در صورت امکان، شناسایی والدین و قرارگرفتن تحت سرپرستی آن‌ها برخوردار می‌باشد». علاوه بر مادهٔ فوق، روابط خانوادگی کودک و ضرورت احترام به آن ذیل بند اول از مادهٔ ۸ کنوانسیون مزبور مورد اشاره قرار گرفته است؛ این ماده مقرر می‌دارد: «کشورهای طرف کنوانسیون حق کودک برای حفظ هویت خود منجمله ملیت، نام و روابط خانوادگی را طبق قانون و بدون مداخله تضمین خواهندکرد.»

جزئیات و تفسیر مصادیق حق بر زندگی خانوادگی کودک در مادهٔ ۹ کنوانسیون حقوق کودک تشریح شده است؛ این ماده مقرر می‌دارد: «۱ - کشورهای طرف کنوانسیون تضمین می‌نمایند که کودکان علیرغم خواسته‌شان از والدین خود جدا نشوند، مگر در مواردی که مقامات‌ذیصلاح مطابق قوانین و مقررات و منوط به بررسی‌های قضایی مصمم شوند که این جدایی به نفع کودک است. این گونه تصمیمات ممکن است در مواردبه خصوصی از قبیل سوء استفاده و یا بی‌توجهی والدین از کودک و یا هنگام جدا شدن والدین ضرورت یابد و در این صورت باید در مورد محل اقامت‌کودک تصمیمی اتخاذ شود. ۲ - در هر یک از مراحل دادرسی مربوط به پاراگراف اول مادهٔ ۹ باید به تمام طرف‌های ذی‌نفع فرصت داده شود در مراحل دادرسی شرکت کرده و نظرات‌خود را ابراز کنند. ۳ - کشورهای طرف کنوانسیون حق کودکی که از یکی یا هر دو والدین جدا شده را مبنی بر حفظ روابط شخصی و تماس مستقیم با والدین به‌طور منظم رعایت خواهند نمود مگر در مواردی که این امر مغایر منافع کودک باشد. ۴ - هنگامی که جدایی ناشی از اقدامات دولت از قبیل بازداشت، زندانی کردن، تبعید، اخراج یا مرگ (منجمله مرگی که در حین توقیف بودن شخص‌صادر شود) یکی یا هر دو والدین و یا کودک باشد، کشور طرف کنوانسیون بنا به درخواست، والدین یا کودک یا در صورت اقتضا یکی از اعضای خانواده را در جریان اطلاعات ضروری در مورد اموال فرد غایب خانواده قرار خواهد داد، مگر در مواردی که دادن این گونه اطلاعات مضر به حال کودک باشد.کشورهای طرف کنوانسیون همچنین تضمین خواهند نمود که تسلیم این درخواست فی‌نفسه عواقبی برای افراد مربوطه در پی نداشته باشد.» از مفاد مواد مزبور چنین برمی‌آید که اصل بر این است، کودک باید به صورت همزمان از وجود والدین بهره‌مند گردد (Sakurai and Zamboni, 2023, 32).

۵-۶. حق بر زندگی خانوادگی و حقوق بنیادین بشری

در فضای حقوق بشر بین‌المللی برخی از مصادیق حقوق بشر واجد وصف بنیادین می‌باشند و مصداقی از قواعد آمره محسوب می‌شوند. این مصادیق حقوق بشر همان مواردی هستند که دولت‌ها حق عدول از آن‌ها را ندارند. مقصود از عدول یعنی عدم انجام تعهدات از سوی دولت به واسطه وجود یک عذر موجه مانند دفاع مشروع، اقدام متقایب، اضطرار و ... است (Schabas and Schabas, 2021, 67). به تعبیری، چنانچه یکی از مصادیق حقوق بشر دارای وصف بنیادین باشد، قاعده امره محسوب می‌گردد و دولت متعهد حتی در شرایط خاصی که توجیه حقوقی برای عدم ایفای تعهدات بین‌المللی وجود دارد، نمی‌تواند از اجرای تعهدات خود امتناع کند. مصادیق حقوق بنیادین بشری در میثاق حقوق مدنی و سیاسی مشخص شده است(بیرانوند، ۱۴۰۲، ۳۹). نکته مهم این است که حق بر زندگی خانوادگی به عنوان یکی از مصادیق حقوق مزبور مورد شناسایی قرار نگرفته است؛ اما برخی از مصادیق حقوق بنیادین بشری در ارتباط با حق بر زندگی خانوادگی هستند. در همین راستا می‌توان به ممنوعیت عدم تبعیض اشاره داشت که در کنوانسیون حقوق کودک و کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان و کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض نژادی مورد

توجه قرار گرفته است (Pustorino, 2023, 109).

۵-۷. موضوعات جدید در ارتباط با حق بر زندگی خانوادگی

در ارتباط با حق بر زندگی خانوادگی موضوعات جدیدی مطرح می‌باشد که در حال حاضر در قالب اسناد غیرالزام‌آور و توصیه‌ای مانند توصیه‌نامه‌های شورای حقوق بشر مورد اشاره قرار می‌گیرد که نشان از ضرورت هنجارسازی و توجه جامعی بین‌المللی به آن دارد. از جمله موضوعات جدید می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت:

اولین مسئله، چالش مهاجرت و پناهندگی می‌باشد. در حال حاضر و باتوجه به بحران‌های اقتصادی و سیاسی در کشورهای مختلف، تمایل به مهاجرت و پناهندگی بسیار زیاد است. باتوجه به موانع اقتصادی و سیاسی موجود، در عمل برخی از اعضاء خانواده (در اغلب موارد پدر و یا سرپرست خانواده) مجبور به مهاجرت و پناهندگی می‌شوند و از سوی دیگر سایر اعضاء خانواده تا حصول شرایط مساعد در کشور مبداء باقی می‌مانند. این مسئله باعث شکل‌گیری نهادی تحت عنوان «خانواده‌های فراملی» شده است. در خانواده‌های فراملی به واسطه دو یا چندپارچه شدن نهاد خانواده حق بر زندگی خانوادگی هم برای والدین و هم برای فرزندان با چالش جدی مواجه شده است. راهکاری که حقوق بین‌الملل به آن متوسل شده است تسهیل شرایط مهاجرت و پناهندگی برای اعضاء خانواده‌ها در صورتی که سرپرست خانواده موفق به اخذ پناهندگی یا مجوز مهاجرت شود، می‌باشد (Hiitola and others, 2021, 112-113). البته تا به امروز دولت‌ها یک سند بین‌المللی لازم‌الاجرا که چنین راهکاری را در سطح جهانی مورد پذیرش قرارداده باشد را امضاء نکرده‌اند.

دومین مسئله، چالش وقوع مخاصمات مسلحانی داخلی و بحران آوارگان است. به‌طور کلی مخاصمات مسلحانه داخلی یکی از عوامل مهم در ایجاد موج آوارگان محسوب می‌شود. آمارهای تکان‌دهنده‌ای از سوی دیده‌بان حقوق بشر و عفو بین‌الملل در ارتباط با جدایی اعضاء خانواده در طی جنگ‌های داخلی کنگو، آفریقای جنوبی و سودان منتشر شده است. در ارتباط با وضعیت آوارگان و ضرورت رعایت حال اعضاء خانواده و تعهد به حفظ و تمامیت نهاد خانواده، سند لازم‌الاجرای بین‌المللی وجود ندارد؛ بلکه صرفاً هنجارهایی غیرالزام‌آور از سوی شورای حقوق بشر و نیز برخی توصیه‌نامه‌های اتحادیه اروپا موجود است (Park and Park, 2018, 65-66).

سومین مسئله چالش وضعیت حق بر زندگی فرزندان در موارد وقوع طلاق میان زوجین است. اساساً در مواردی که زوجین از یکدیگر جدا می‌شوندف چالش حق بر زندگی خانوادگی برای کودکان مطرح می‌گردد. در حال حاضر در اغلب نظام‌های حقوقی این چالش را با تقسیم زمان میان زوجین و اعطای حق ملاقات با طفل برای زوجین حل و فصل نموده‌اند؛ اما در سطح رویکردهای حقوق بشری، فرزندان باید از حق بر زندگی خانوادگی نزد والدین به صورت تؤامان متمتع شوند. این رویکرد نظام حقوق بشر بین‌المللی در حال حاضر در قالب نظام‌های حقوق داخلی فاقد سازوکار اجرایی می‌باشد (Sportel, 2016, 53-54).

چهارمین مسئله، چالش انتقال غیرقانونی فرزند بدون رضایت و اجازه والد دیگر به کشور خارجی می‌باشد. این پدیده نیز در زمرهٔ مسائل جدید محسوب می‌شود. در این حالت، یکی از والدین پس از طلاق، اقدام به انتقال غیرقانونی کودک به خارج از کشور می‌کند. باتوجه به این‌که در حال حاضر متأسفانه سند جامعی در ارتباط با استرداد مجرمین و معاضدت قضایی وجود ندارد، شدیدترین چالش‌های عملی در این زمینه شاهد هستیم که صرفاً کشورهایی که دارای کنوانسیون‌های معاضدت قضایی و استرداد مجرمین می‌باشند، به صورت محدود می‌توانند به حل این چالش بپردازند (Vaghri and others, 2022, 93-94).

در ارتباط با رویکرد میانی فقهی و رویهٔ نظام حقوق بشر بین‌المللی باید عنایت داشت که در حال حاضر مسئله ازدواج همجنس‌گرایان و شناسایی گرایش‌ها و جنسیت‌های خاص غیر از زن و مرد، تفاوت اصلی میان نظام حقوق بشر بین‌المللی و رویکرد اسلامی محسوب می‌گردد. در ارتباط با سایر چالش‌ها و موضوعات جدید می‌توان اذعان داشت که هم‌سویی نسبی میان رویکرد اسلامی و نظام حقوق بشر بین‌المللی وجود دارد؛ هرچند در فرآیند هنجارسازی و رویه‌سازی بین‌المللی لازم است که دولت‌های اسلامی نیز مشارکت فعالی داشته باشند، زیرا متغیرهای خاص مانند ولایت قهری پدر و جدپدری در موضوعات راجع به وضعیت فرزندان پس از طلاق، نقش بسیار مهمی در ساختارهای حقوق داخلی کشورهای مزبور ایفا می‌کند.

۶. نتیجه

تشکیل خانواده و زندگی خانوادگی در اسلام فراتر از یک حق و امر مورد تأکید است. در فقه امامیه و مبانی آن، حق بر زندگی خانوادگی نه به صورت یک عنوان مستقل بلکه در چهارچوب نهاد ازدواج، آثار و تکالیف ناشی از آن نسبت به زوجین، همسران و نیز وضعیت فرزندخواندگی مورد توجه قرار گرفته است. از طرفی اسناد حقوق بشری، حق بر زندگی خانوادگی را نه صرفاً در قالب عنوان ازدواج، بلکه در قالب‌های گسترده‌تر تعریف نموده‌اند؛ که این امر ناشی از شناسایی نهادها و روابطی است که در چهارچوب نظام فقهی اسلامی و کشورهای اسلامی قابل شناسایی نمی‌باشد. از طرف دیگر، در چهارچوب فقه امامیه، نهاد ازدواج نیز محدود به رابطه جنس زن و مرد می‌باشد؛ حال آن‌که در اسناد بین‌المللی، نهاد ازدواج به صورت گسترده‌تر مورد پذیرش قرار گرفته است. مع‌الوصف، فارغ از تفاوت‌های مزبور که به رویکردهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع بازمی‌گردد، بنای حق بر زندگی خانوادگی و حریم خصوصی یک امر عاطفی است و به صورت کامل قابلیت «تعقیب» در معنای اخص را ندارد. اما مقصود چیست؟ نهادهایی مانند تمکین یا زندگی در منزل مشترک، نفقه، صله رحم و ... همگی دارای دو نکته مهم می‌باشند: اول این‌که بسیاری از آن‌ها قابلیت اجبار از سوی حاکمیت به نفع ذیحق را ندارند؛ به بیان ساده‌تر، حکمِ الزام به انجام آن‌ها از سوی اجرای احکام قابلیت اجرایی ندارد، بلکه محکوم‌علیه فقط از یک امتیاز یا حق محروم می‌گردد؛ برای مثل حکم به الزام به تمکین چنانچه از سوی زوجه اجرا نشود، وی فقط از نفقه محروم خواهد شد. برخی دیگر از نهادهای مزبور مانند الزام به زندگی در منزل مشترک، علی‌رغم این‌که قابلیت اجرایی دارند، اما در

فضای عمل، وقتی از سوی افراد با میل و رغبت صورت نمی‌گیرند، به خودی‌خود موجب ایجاد فضای متشنج در محیط خانواده و تشدید اختلافات می-گردند. در نتیجه حق بر زندگی خانوادگی و حریم خصوصی، علی‌رغم آن‌که در اسناد بین‌المللی، منابع فقهی و حقوق داخلی مورد شناسایی قرار گرفته است، اما در مرحلهٔ اجرا فاقد ابزارها و ضمانت‌اجراهای سنتی می‌باشد؛ به همین دلیل است که حق بر زندگی خانوادگی در مرحلهٔ تشریع و شناسایی دارای قالبی حقوقی می‌باشد اما در مرحلهٔ اجرا دارای قالبی اخلاقی است. همین امر نشان می‌دهد که در طراحی ساختارهای حقوقی و سیاسی باید به فرهنگ‌سازی و ایجاد قدرت الزام اخلاقی توجه ویژه داشت. این موضوع در جوامع غربی نیز مورد توجه ویژه قرار دارد؛ به همین جهت است که قسمت قابل توجهی از منابع موجود، صرف ساخت و بازسازی نظام‌های اخلاقی و فرهنگی جوامع می‌شود. در همین راستا، اتحادیه اروپا، رویه‌ها و اسناد جدید خود را در بخش اجتماعی و فرهنگی، متمرکز بر نهادِ حق بر زندگی خانوادگی نموده است. با در نظر گرفتن تفاوت‌های موجود، نظام فقه امامیه باتوجه به وجود اصول و قواعد منسجم در بخش حقوق خانواده، ظرفیت شناسایی حق بر زندگی خانوادگی و توابع آن را دارد و در همین راستا با در نظر گرفتن مصادیق حقوق مزبور، می‌تواند اصول و قواعد اختصاصی را برای حق بر زندگی خانوادگی طراحی و ارائه نماید.

۷. سهم نویسندگان

نگارش متن توسط نویسندگان و نظارت علمی و اصلاحات نهایی توسط نویسنده مسئول صورت گرفت.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافعی وجود ندارد.

منابع

- احمدپناهی، علی، «ازدواج در اسلام با نگاهی به کارکردهای تربیتی و روان‌شناختی»، مجلهٔ معرفت، شمارهٔ ۱۰۴، ۱۳۸۵.

- اسلامی‌پناه، هادی، «ازدواج‌پژوهی در آیات الهی»، مطالعات راهبردی زنان، شمارهٔ بیست‌وهفتم، ۱۳۸۴.

- بیرانوند، فرید، «رویهٔ محاکم ملی در مواجهه با حقوق نرم بشردوستانه با تأکید بر حق بر سلامت»، حقوق نظام سلامت ایران، شمارهٔ اول، دورهٔ اول، ۱۴۰۳.

- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحهٔ، جلد اول، تهران، دنیای دانش، ۱۳۷۸.

- توتونچیان مهری، سرشار مینا، «حق بر زندگی خانوادگی کودکان در پرتو نظام حقوق بشر»، فصلنامهٔ حقوق کودک، شمارهٔ هفتم، دورهٔ دوم، ۱۳۹۹.

- خمینی، روح‌الله، موسوعهٔ الامام الخمینی (تحریرالوسیله)، ج۲، تهران، مؤسسهٔ نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۱.

- شهید ثانی، محمد، الروضهٔ البهیهٔ فی شرح اللمعهٔ الدمشقیهٔ، بیروت، دارلفکر، ۱۴۰۲.

- طباطبائی یزدی، محمدکاظم، العروهٔ الوثقی، ج۵، بیروت، مؤسسهٔ النشر الإسلامی، ۱۴۱۷.

- عاملی، شیخ حر، وسائل الشیعه، ج ۲۰، قم، نشر آل البیت (ع)، ۱۴۱۲.

- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، جلد۳، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵.

- عیوضی، محمدرحیم، «فرهنگ اسلامی: مفاهیم، ویژگی‌ها و اصول»، نشریه زمانه، شمارهٔ پنجاه‌وهشتم، ۱۳۸۶.

- فاضل قانع، حمید، «سبک زندگی اسلامی: ضرورت‌ها و راهبردها»، نشریهٔ محفل، شمارهٔ هشتم، ۱۳۹۱.

- فیضی، کبری، ازدواج از دیدگاه قرآن و سنت، همایش ضرورت گسترش مفاهیم قرآن کریم، ۱۳۸۴.

- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج۱۰۳، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۰۲.

- مقدسی، یوسف، جعفرزاده، میلاد، اهمیت و ضرورت نکاح در بین آیات قران کریم و روایات معصومین (ع)، سومین کنفرانس ملی و دومین کنفرانس بین‌المللی حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۹۹.

- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج۲۹، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۱۵.

- Draghici, Carmen, Procreative Rights in International Law: Insights from the European Court of Human Rights, Cambridge, Cambridge University Press, 2024.

- Tiburcio, Carmen, The Human Rights of Aliens under International and Comparative Law, Hague, Kluwer, 2021.

- Fawcett J. J., Máire Ní Shúilleabháin, Máire Treasa Ní Shúilleabháin, Sangeeta Shah, Human Rights and Private International Law, Oxford, Oxford University Press, 2017.

- Adolphe, Jane F., Robert L. Fastiggi, Michael A. Vacca, Equality and Non-discrimination: Catholic Roots, Current Challenges, Oregon, Pickwick, 2019.

- Arnadóttir, Oddný Mjöll, Equality and Non-Discrimination under the European Convention on Human Rights, Hague, Kluwer, 2021.

- Sakurai, Tetsu, Zamboni, Mauro, Can Human Rights and National Sovereignty Coexist? London, Taylor & Francis, 2023.

- Schabas, William A., Schabas, William, The Customary International Law of Human Rights, Oxford, Oxford University Press, 2021.

- Pustorino, Pietro, Introduction to International Human Rights Law, London, Springer, 2023.

- Hiitola, Johanna, Kati Turtiainen, Sabine Gruber, Marja Tiilikainen, Family Life in Transition: Borders, Transnational Mobility, and Welfare Society in Nordic Countries, London, Taylor & Francis, 2023.

- Park, Ian, Park, David, The Right to Life in Armed Conflict, Oxford, Oxford University Press, 2018.

- Sportel, Iris, Divorce in Transnational Families: Marriage, Migration and Family Law, London, Springer, 2016.

- Vaghri, Ziba, Jean Zermatten, Gerison Lansdown, Roberta Ruggiero, Monitoring State Compliance with the UN Convention on the Rights of the Child: An Analysis of Attributes, London, Springer, 2022.